

ایمنی کار در آزمون سیاست‌های تسهیل تولید

جان کار گر، هزینه تولید نیست



در هر واحد صنعتی، پیش از آنکه خط تولید به حرکت در آید، یک سرمایه مهم‌تر از ماشین‌آلات و تجهیزات وارد میدان می‌شود: نیروی انسانی. با این حال، تجربه حوادث کاری نشان می‌دهد فاصله میان «تولید» و «ایمنی» هنوز در بسیاری از محیط‌های صنعتی و پروژه‌های جدی گرفته نشده است. ایمنی

زمانی اهمیت پیدا می‌کند که حادثه رخ داده باشد، در حالی که فلسفه اصلی ایمنی، شناسایی خطر پیش از تبدیل شدن آن به حادثه است. سازمان بین‌المللی کار نیز بر تقویت فرهنگ پیشگیری و نظام‌های ملی ایمنی و بهداشت شغلی تأکید دارد. در ایران، مسئله فقط به کمبود تجهیزات حفاظتی محدود نیست؛ ضعف آموزش،

ایمنی باید از حاشیه به متن تولید بیاید

به هشدارها یا نظارت ناکافی می‌توانند در کنار یکدیگر شرایط حادثه را ایجاد کنند. از همین‌رو، نگاه صرفاً حادثه‌محور نمی‌تواند مسئله ایمنی را حل کند. وقتی بازرسی فقط پس از وقوع حادثه جدی شود، مهم‌ترین فرصت یعنی زمان پیش از حادثه از دست رفته است. بازرسی مؤثر باید بتواند نشانه‌های خطر را قبل از آنکه به خسارت انسانی تبدیل شوند، شناسایی کند. از سوی دیگر، داده‌های ایمنی نیز اهمیت زیادی دارند. ثبت دقیق حوادث، شبه‌حوادث و بیماری‌های شغلی به مدیران کمک می‌کند نقاط پرخطر را بشناسند و منابع را در جای درست هزینه کنند. سازمان بین‌المللی کار نیز بر اهمیت ثبت و تحلیل داده‌های حوادث و بیماری‌های شغلی برای پیشگیری تأکید کرده است.

اقتصاد پیشگیری

گاهی هزینه‌های ایمنی در نگاه نخست، به مالی برای تولیدکننده محسوب می‌شود؛ اما محاسبه اقتصادی حادثه نشان می‌دهد خسارت واقعی بسیار فراتر از هزینه خرید تجهیزات یا برگزاری دوره

نظارت ایمنی نباید بعد از حادثه آغاز شود

به حادثه، نقص عضو یا مرگ تبدیل شود، شناسایی و مهار شود. این فعال کارگری با اشاره به وضعیت حوادث کار اظهار کرد: براساس اظهارات معاون وزیر بهداشت در اردیبهشت ۱۴۰۴، سالانه حدود ۱۰ هزار نفر در کشور بر اثر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. وی تأکید کرد: حتی اگر میان آمارهای رسمی دستگاه‌های مختلف تفاوت وجود داشته باشد، اصل مسئله، یعنی وجود یک بحران مستمر در محیط‌های کار، قابل انکار نیست. در مباحث مرتبط با شورای عالی حفاظت فنی نیز بارها مطرح شده که بیش از ۷۰ درصد حوادث مرگبار و منجر به نقص عضو به کارگاه‌ها و پروژه‌های پیمانکاری مربوط است. وی با اشاره به حادثه معدن معدنچو طیس در ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ که به جان‌باختن ۵۳ معدنچی انجامید، افزود: این حادثه باید همچنان به‌عنوان هشداری جدی مورد توجه سیاست‌گذاران باشد. فقدان نظارت مؤثر، ضعف در کنترل خطرات و کمبود تجهیزات می‌تواند در چند لحظه ده‌ها خانواده را داغدار کند.

پیشگیری جای تسلیت را نمی‌گیرد

گلیور با اشاره به حادثه آتش‌سوزی شرکت «تکنام کیهان پلیمیر» در اردیبهشت ۱۴۰۵ در آذربایجان شرقی گفت: در این حادثه دو کارگر جان باختند و ۱۹ کارگر مصدوم شدند. این فعال کارگری خاطرنشان کرد: چنین حوادثی نشان می‌دهد موضوع ایمنی باید پیش از وقوع حادثه مورد توجه قرار گیرد. وی با بیان اینکه اظهار تأسف پس از حادثه کافی نیست، اظهار کرد: تسلیت گفتن جای نظارت پیشگیرانه، بازرسی مؤثر، آموزش ایمنی، الزام کارفرما و پاسخگویی دستگاه‌های مسئول را نمی‌گیرد.

سخن پایانی

هر حادثه کاری، پیش از آنکه به یک خبر تلخ تبدیل شود، مجموعه‌ای از نشانه‌ها دارد؛ یک نقص فنی، یک آموزش انجام‌نشده، یک هشدار نادیده‌گرفته‌شده، یک تجهیز نامناسب یا تصمیمی که برای سرعت بیشتر گرفته شده است. مسئله اصلی ایمنی همین‌جاست: آیا نظام تولید و نظارت می‌تواند این نشانه‌ها را پیش از حادثه ببیند؟ صنعت برای ادامه مسیر به نیروی انسانی سالم و توانمند نیاز دارد. بنابراین ایمنی نباید در برابر تولید قرار گیرد؛ بلکه باید بخشی از خود تولید باشد. همان‌طور که کیفیت محصول، بهره‌وری و کنترل هزینه برای یک بنگاه اهمیت دارد، سلامت

امنیت کار گر، خط قرمز جامعه است نه هزینه تولید



سعید فتاحی- فعال کارگری: تسهیل کسب‌وکار و رفع موانع تولید، زمانی می‌تواند در خدمت اقتصاد و توسعه قرار گیرد که به قیمت کاهش حقوق نیروی انسانی تمام نشود. تولید، پیش از آنکه به ماشین‌آلات، سرمایه

و پروژه‌های بزرگ وابسته باشد، به انسان‌هایی نیاز دارد که در محیط کار، از حداقل‌های ایمنی و سلامت برخوردار باشند. از همین‌رو، هر سیاستی که به بهانه کاهش بروکراسی یا سرعت‌بخشیدن به فرآیندهای اقتصادی، لایه‌های ضروری نظارت بر ایمنی را کنار بزند، نیازمند بازنگری جدی است. در سال‌های اخیر، موضوع ایمنی کارگاه‌ها و پروژه‌های پیمانکاری بارها در پی حوادث مرگبار مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، مسئله اصلی همچنان پابرجاست: آیا نظام ایمنی باید پس از وقوع حادثه وارد عمل شود یا پیش از آن، خطر را شناسایی و مهار کند؟

حذف گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی پیمانکاران از اسناد مناقصات دولتی، از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند. این گواهینامه صرفاً یک مدرک اداری یا تشریفاتی نیست؛ بلکه یکی از ابزارهای ارزیابی میزان تعهد پیمانکار به بهداشت حرفه‌ای، آموزش نیروی کار، تأمین تجهیزات حفاظت فردی و رعایت الزامات ایمنی است. کنار گذاشتن چنین فیلتری، در عمل می‌تواند مسیر نظارت را از «پیشگیری» به «واکنش پس از حادثه» تغییر دهد.

در الگوی واکنشی، ابتدا کارگاه و پروژه فعالیت خود را آغاز می‌کند، نیروی کار مشغول می‌شود و خطرها در محیط باقی می‌مانند؛ سپس، در صورت وقوع حادثه، دستگاه‌های نظارتی وارد میدان می‌شوند. اما در حوزه ایمنی، چنین رویکردی اساساً با فلسفه پیشگیری سازگار نیست. وقتی حادثه‌ای رخ داده و انسانی جان خود را از دست داده یا برای همیشه دچار آسیب شده است، دیگر بازرسی پس از حادثه نمی‌تواند خسارت انسانی را جبران کند.

ایمنی کارگر نباید در مقابل تولید قرار گیرد. این دو، دو مفهوم متضاد نیستند. تولید پایدار بدون نیروی انسانی سالم و محیط کار ایمن، معنای واقعی خود را از دست می‌دهد. کاهش هزینه‌های یک پیمانکار، کوتاه شدن زمان اجرای پروژه یا تسهیل فرآیند واگذاری، نمی‌تواند توجیهی برای افزایش ریسک جانی نیروی کار باشد.

از سوی دیگر، آمار بالای حوادث شغلی نشان می‌دهد که مسئله ایمنی را نمی‌توان به چند حادثه موردی تقلیل داد. هنگامی که سهم قابل‌توجهی از حوادث مرگبار به پروژه‌های پیمانکاری مربوط می‌شود و سالانه هزاران نفر در نتیجه حوادث و بیماری‌های ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند، هر تصمیمی درباره کاهش نظارت‌های پیشگیرانه باید با حساسیت بیشتری بررسی شود. موضوع فقط به قوانین داخلی محدود نیست.

ایران با پیوستن به مقاله‌نامه شماره ۱۵۵ سازمان بین‌المللی کار، تعهداتی در زمینه سیاست‌های پیشگیرانه ایمنی و بهداشت حرفه‌ای پذیرفته است. فلسفه این مقاله‌نامه نیز بر شناسایی خطرها و کاهش آنها پیش از تبدیل‌شدن به حادثه استوار است. بنابراین نمی‌توان از یک سو بر ضرورت رعایت استانداردهای بین‌المللی تأکید کرد و از سوی دیگر، ابزارهای ارزیابی صلاحیت ایمنی پیمانکاران را کم‌اثر کرد.

در این میان، بازرسی کار نیز نیازمند بازتعریف نقش خود است. بازرسی نباید صرفاً پس از وقوع حادثه یا دریافت گزارش تخلف فعال شود. افزایش تعداد بازرسان، ارتقای توان تخصصی آنها و حرکت به سمت بازرسی مستمر و مبتنی بر ریسک، می‌تواند بخشی از خلأ موجود را جبران کند. محیط‌های پرخطر باید پیش از آنکه حادثه‌ای رخ دهد، شناسایی و اصلاح شوند.

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی نیز نباید از این قاعده مستثنا باشند. تفاوت در مقررات اقتصادی و اداری نمی‌تواند به تفاوت در میزان حفاظت از جان کارگران منجر شود. حقوق نیروی کار و الزامات ایمنی، مرز جغرافیایی یا اقتصادی نمی‌شناسد و هر کارگری، فارغ از محل فعالیت خود، باید از حداقل استانداردهای ایمنی برخوردار باشد.

شفافیت نیز بخش دیگری از این زنجیره است. انتشار گزارش‌های حوادث کار، نتایج بازرسی‌ها و تخلفات ایمنی می‌تواند به تقویت پاسخگویی کمک کند. خانواده‌های آسیب‌دیده و افکار عمومی باید بدانند حادثه چگونه رخ داده، چه هشدارهایی پیش از آن وجود داشته و چه نهادی مسئول پیشگیری یا نظارت بوده است.

در نهایت، مسئله به یک انتخاب ساده بازمی‌گردد: آیا ایمنی را بخشی از هزینه و فرآیند ضروری تولید بدانیم یا آن را مانعی در مسیر کسب‌وکار تلقی کنیم؟ پاسخ به این پرسش، فقط یک تصمیم اداری نیست؛ مستقیم با جان انسان‌ها و سرمایه اجتماعی کشور ارتباط دارد. توسعه‌ای که با حذف لایه‌های پیشگیرانه ایمنی سرعت بگیرد، اگر به بهای جان کارگران تمام شود، نمی‌تواند توسعه‌ای پایدار و انسانی تلقی شود. جان کارگر هزینه تولید نیست؛ خط قرمزی است که هیچ سیاست تسهیل‌گر اقتصادی نباید از آن عبور کند.

کیفیت بازرسی، مدیریت پیمانکاران، مسئولیت‌پذیری مدیران و نحوه ثبت و تحلیل حوادث، همگی بخشی از زنجیره‌ای هستند که می‌تواند یک محیط کار را ایمن یا پرخطر کند. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که آیا نظام ایمنی کشور توان آن را دارد که پیش از وقوع حادثه، خطر را شناسایی و متوقف کند؟

آموزشی است. توقف تولید، آسیب به تجهیزات، از دست رفتن نیروی متخصص، هزینه‌های درمان، پیامدهای حقوقی و کاهش بهره‌وری، مجموعه‌ای از هزینه‌های پنهان حادثه هستند. بنابراین، ایمنی را باید بخشی از بهره‌وری دانست، نه مانعی در برابر آن. حتی در پروژه‌هایی که سرعت اجرا و کاهش هزینه اهمیت بالایی دارد، حذف لایه‌های کنترلی می‌تواند ریسک‌های بزرگ‌تری ایجاد کند. این مسئله در فعالیت‌های پیمانکاری اهمیت دوچندان دارد. وقتی چند شرکت و گروه کاری در یک پروژه حضور دارند، باید مسئولیت‌ها کاملاً روشن باشد؛ چه کسی خطر را ارزیابی می‌کند؟ چه کسی آموزش می‌دهد؟ چه کسی بر اجرای مقررات نظارت دارد و در صورت مشاهده یک وضعیت خطرناک چه کسی اختیار توقف کار را دارد؟ پاسخ روشن به این پرسش‌ها می‌تواند بخشی از خلاهای ایمنی را پر کند. در نهایت، صنعت ایمن صنعتی نیست که صرفاً تجهیزات حفاظتی بیشتری داشته باشد؛ صنعتی است که پیش از وقوع حادثه، خطر را ببیند، درباره آن تصمیم بگیرد و برای جلوگیری از تکرار اقدام کند.



گلیور با اشاره به حقوق خانواده‌های کارگران جان‌باخته افزود: خانواده کارگر حق دارند بدانند چه کسی مسئول بوده، چه بازرسی‌هایی انجام شده، چه خطراتی داده شده و چرا پیش از وقوع حادثه اقدام بازدارنده‌ای صورت نگرفته است. وی با اشاره به وضعیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ادامه داد: این مناطق نباید به حیاط خلوت نایمنی تبدیل شوند و کارگری که در عسلویه یا یک منطقه ویژه اقتصادی فعالیت می‌کند، جانش کم‌ارزش‌تر از کارگر سایر نقاط کشور نیست.

این فعال کارگری با اشاره به نحوه احراز صلاحیت پیمانکاران اظهار کرد: بررسی صلاحیت باید شفاف، تخصصی، چندجانبه و قابل نظارت باشد و سوابق پیمانکار، نیروی انسانی متخصص، آموزش‌ها، تجهیزات، وضعیت بهداشت حرفه‌ای، گزارش حوادث قبلی و توان اجرایی او در مدیریت خطر بررسی شود. گلیور با تأکید بر ضرورت تقویت نظارت گفت: افزایش تعداد و توان تخصصی بازرسان کار، تغییر جهت بازرسی‌ها از واکنش پس از حادثه به پیشگیری فعال و مستمر، اجرای کامل الزامات ایمنی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و انتشار شفاف گزارش حوادث و تخلفات، می‌تواند به ارتقای ایمنی محیط‌های کار کمک کند. وی در پایان با تأکید بر اینکه جان کارگر نباید هزینه سیاست‌های تولیدی شود، گفت: ایمنی را نمی‌توان قربانی شتاب در صدور مجوز، کاهش هزینه پیمانکار یا تفسیر نادرست از تسهیل کسب‌وکار کرد.

ایمنی کار دیگر موضوعی حاشیه‌ای نیست

توسعه صنعتی زمانی پایدار است که کاهش هزینه‌ها و افزایش تولید، ریسک برای نیروی کار تمام نشود